

فهرست

قدرت اجتماعی

۶۱	درس ششم
۶۸	سؤال‌های امتحانی
۷۳	پاسخ سؤال‌های امتحانی

تابرابری اجتماعی

۷۷	درس هفتم
۸۲	سؤال‌های امتحانی
۸۶	پاسخ سؤال‌های امتحانی

سیاست هویت

۸۹	درس هشتم
۹۴	سؤال‌های امتحانی
۹۸	پاسخ سؤال‌های امتحانی

پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام

۱۰۱	درس نهم
۱۰۵	سؤال‌های امتحانی
۱۱۰	پاسخ سؤال‌های امتحانی

افق علوم اجتماعی جهان اسلام

۱۱۳	درس دهم
۱۱۸	سؤال‌های امتحانی
۱۲۲	پاسخ سؤال‌های امتحانی

ذخیره دانشی

۷	درس اول
۱۱	سؤال‌های امتحانی
۱۴	پاسخ سؤال‌های امتحانی

علوم اجتماعی

۱۶	درس دوم
۲۱	سؤال‌های امتحانی
۲۵	پاسخ سؤال‌های امتحانی

نظم اجتماعی

۲۸	درس سوم
۳۳	سؤال‌های امتحانی
۳۷	پاسخ سؤال‌های امتحانی

کنش اجتماعی

۴۰	درس چهارم
۴۴	سؤال‌های امتحانی
۴۸	پاسخ سؤال‌های امتحانی

معنای زندگی

۵۱	درس پنجم
۵۵	سؤال‌های امتحانی
۵۹	پاسخ سؤال‌های امتحانی

۱۲۵ فعالیت‌های متن کتاب

۱۳۵ مشاوره شب امتحان

۱۳۶ آزمون نیم‌سال اول

۱۴۰ پاسخ‌نامه آزمون نیم‌سال اول

۱۴۴ آزمون نیم‌سال دوم

۱۵۲ پاسخ‌نامه آزمون نیم‌سال دوم



مقدمه

دوستان! اگه به روزی شما مدیر به جایی مثل به اداره، شرکت، به بانک، به بیمارستان و یا به کارخونه بشین چی کار می‌کنین؟ منظورمون اینه که چه جور **اداره امور اون نهاد** رو به عهده می‌گیرین؟ راستشو بگین، نکته قراره از این مدیرایی بشین که شخصیتای خیلی اتوکشیده‌ای دارن و اون قدر جدی هستن که آدمای زیر دستشون جرات نمی‌کنن از کنارشون رد بشن چه برسه به این‌که وارد اتاقشون بشن و درخواستاشونو مطرح کنن؟ شایدم به مدیر فوق‌العاده مهربون و متواضع باشین، انقدر خاکی و مهربون که کارکنان زیر دستتون، شما رو مثل خودشون فرض کنن و هر روز راه و بیراه تو اتاقتون پرسه بزنن و توقعاتشونو مطرح کنن و دائم سرتونو بخورن و اصلاً کارو از تو دستتون دربیارن، انقدر که دیگه برای شما هیچ انگیزه‌ای باقی نمونه و پشیمون بشین از این‌که چرا لباس مدیریت تنتون کردین؟ حالا از شوخی که بگذریم واقعاً به **مدیر خوب** از نظر شما چه جور مدیریه؟

خوب می‌دونین که به مدیر وظایف زیادی داره ولی یکی از مهم‌ترین اونا رسیدگی مالی و پرداخت دستمزد به موقع کارکنانشه. خب اگه شما مدیر بشین چه جور می‌خواین حق و حقوق کارکنانتونو بدین؟ آیا دائم می‌خواین دلسوزی کنین و هر چی هست و نیستو بریزن وسط و به اسم از بین بردن محرومیت، دائم پولیارون کنین کارمندانتونو؟ حتی اگه به قیمت ورشکستگی مثلاً کارخونه یا شرکت تموم بشه؟ یا قراره از این مدیرای ناخن‌خشک بشین که هیچ آبی از دستشون نمی‌چکه، از اونایی که اون قدر کارکنانشونو لای منگنه می‌ذارن که آدما فرارو به قرار ترجیح می‌دن؟ خلاصه تکلیف ما رو معلوم کنین. دوستدار قشر مرفه جامعه هستین یا قشر نامرفه؟ ای بابا مگه حد وسط نداریم؟ راستی چرا همیشه می‌گیم فقیر و غنی و یادمون می‌ره به کم درباره طبقه متوسط جامعه صحبت کنیم؟ بچه‌ها ممکنه فکر کنین مؤلفای کتاب تو این درس زدن کانال شوخی و دائم دارن سر به سرتون می‌ذارن؟ نه فرزندان عزیز ایران زمین ما قصد نداریم تو این درس جوک تعریف کنیم بلکه این‌طوری با شما حرف زدیم تا مطالب این درسو که کاملاً به سوآلای طنزآلود ما مربوطه خوب یاد بگیرین. پس با ما همراه باشین.

مدیران یک شرکت تولیدی، درباره چگونگی پرداخت دستمزد به کارکنان شرکت اختلاف نظر دارن.

گروه اول: پیشنهاد می‌کنند، به هر کسی به اندازه‌ای که شایستگی دارد، دستمزد پرداخت شود. این عده:

1 تفاوت‌های افراد مانند توان جسمی و ذهنی، انگیزه و مهارت را برجسته می‌کنند.

2 رقابت میان افراد برای تولید بیشتر را ضروری می‌دانند.

3 افراد و گروه‌های «توانگر» را در اولویت قرار می‌دهند.

گروه دوم: پیشنهاد می‌کنند، از هر کس به اندازه توانش کار بخواهیم اما به اندازه نیازش به او دستمزد بدهیم. این گروه:

1 شباهت‌های افراد مانند هم‌نوع، هم‌وطن و همکار بودن را برجسته می‌کنند و بر آن تأکید می‌نمایند.

2 ولی افراد و گروه‌های «کم‌توان» را در اولویت قرار می‌دهند.

تفاوت دیدگاه گروه اول و گروه دوم در مورد تعیین قیمت کار افراد

گروه اول	گروه دوم
بر بازار تکیه می‌کنند و معتقدند بازار همان‌طور که قیمت کالاها را براساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌کند، می‌تواند قیمت کار افراد را نیز بر همین اساس مشخص نماید.	<p>۱ بازار نمی‌تواند ارزش واقعی کالاها و کار افراد را مشخص کند، بنابراین تکیه کردن بر بازار نادرست است. شاید فردی ناچار شود برای تعمیر ترکیدگی لوله آب خانه‌اش در یک روز تعطیل تابستانی، مبلغ گزافی به تنها لوله‌کشی که آماده کار است، بپردازد، اما آیا ارزش واقعی کار این لوله‌کش به همین مقدار است؟</p> <p>۲ برخی راننده‌های تاکسی در ساعات پرتدد و روزهای بارانی، کرایه‌ای را طلب می‌کنند که استحقاق آن را ندارند.</p> <p>۳ دخالت دولت، برای کنترل بازار لازم است. آن‌ها به دولت اعتماد می‌کنند و معتقدند دولت به نمایندگی از همه و به نفع همه عمل می‌کند.</p>

تفاوت‌های نابرابری

خیلی خب با این مقدمه طولانی بریم سراغ یک مبحث جامعه‌شناسی بحث‌برانگیز و جذاب. افراد از جنبه‌های مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند. انسان‌ها از نظر قد، وزن، جنس، رنگ پوست، توانایی جسمی و ذهنی، قدرت سیاسی، ثروت، تحصیلات، مهارت، پایگاه اجتماعی، محل سکونت، زبان، لهجه و... باهم تفاوت دارند. با دقت در تفاوت‌های میان افراد مشخص می‌شود که همه تفاوت‌ها از یک نوع نیستند و می‌توان آن‌ها را به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

	<p>• برخی تفاوت‌ها، «تفاوت‌های اسمی» نامیده می‌شوند و نمی‌توان افراد را براساس این تفاوت‌ها رتبه‌بندی کرد.</p> <p>مثال ۱: برخی افراد سفیدپوست و برخی رنگین‌پوست هستند. این دو گروه از نظر رنگ پوست متفاوتند، اما هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد.</p> <p>مثال ۲: زن و مرد از نظر جنسیت با یکدیگر متفاوت‌اند اما هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد.</p>	<p>تفاوت‌های اسمی</p>
	<p>• برخی تفاوت‌ها مانند تفاوت در قد، هوش، ثروت و تحصیلات، «تفاوت‌های رتبه‌ای» نامیده می‌شوند و می‌توان افراد را براساس این تفاوت‌ها، رتبه‌بندی کرد.</p> <p>• یعنی برخی افراد کم‌تر و برخی بیشتر از این ویژگی‌ها برخوردارند.</p> <p>مثال ۱: افرادی که دارای قد و ضریب هوشی متفاوت هستند، با هم نابرابرند.</p> <p>مثال ۲: افرادی که دارای ثروت و تحصیلات متفاوت هستند، با هم نابرابرند.</p>	<p>تفاوت‌های رتبه‌ای</p>
	<p>۱ نابرابری طبیعی: این تفاوت‌ها و نابرابری‌ها طبیعی هستند مانند نابرابری افراد در قد و ضریب هوشی.</p> <p>۲ نابرابری اجتماعی: این نابرابری‌ها در جامعه ایجاد می‌شوند.</p> <p>مثال ۱: نابرابری در تحصیلات و ثروت</p> <p>مثال ۲: میزان تلاش افراد یا موقعیت خانواده‌ای که در آن متولد شده‌اند، آن‌ها را از نظر رتبه نابرابر می‌سازد.</p>	<p>انواع تفاوت‌های رتبه‌ای</p>



سه رویکرد درباره نابرابری اجتماعی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مورد توجه جامعه‌شناسان است، نابرابری اجتماعی است. تفاوت‌های اسمی و نابرابری‌های طبیعی در صورتی که به نابرابری‌های اجتماعی منجر شوند، مورد توجه جامعه‌شناسان قرار می‌گیرند.

مطالعه نابرابری‌های اجتماعی توسط جامعه‌شناسان:

- جامعه‌شناسان در مطالعه نابرابری‌های اجتماعی، به قشربندی اجتماعی در جوامع توجه دارند.
- آن‌ها می‌گویند علت نابرابری اجتماعی این است که مزایای اجتماعی یعنی ثروت، قدرت و دانش، به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده‌اند؛ بنابراین براساس سه‌گانه فوق، برخی از افراد، در بالای سلسله‌مراتب اجتماعی قرار می‌گیرند و برخی افراد در پایین آن.

پرسش و پاسخ

پرسش: آیا وجود نابرابری‌های اجتماعی برای جامعه ضرورت دارد؟ یا این که برای برقراری عدالت اجتماعی باید با نابرابری اجتماعی مبارزه کرد و همه افراد و گروه‌ها را برابر نمود؟

پاسخ: در پاسخ به این پرسش‌ها، رویکردهای متفاوتی وجود دارد:

رویکرد اول: جامعه‌شناسان موافق با قشربندی اجتماعی (مدل لیبرالیستی)

این گروه از جامعه‌شناسان معتقدند که:



- نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد.
- از نظر آنان نابرابری‌های اجتماعی از تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی برمی‌خیزد.
- این جامعه‌شناسان طرفدار قشربندی اجتماعی هستند و معتقدند که از گذشته تا حال، هیچ جامعه‌ای بدون قشربندی اجتماعی نبوده است یعنی قشربندی پدیده‌ای است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است.
- آنان چنین می‌پندارند که نابرابری‌های اجتماعی نتیجه تفاوت‌ها نابرابری‌های طبیعی است، بنابراین عادلانه‌اند.

نقد این دیدگاه:

- طرفداران قشربندی اجتماعی این واقعیت را نادیده می‌گیرند که نابرابری‌های اجتماعی همیشه نتیجه نابرابری‌های طبیعی نیستند.
- نابرابری‌های طبیعی شاید بتواند نقطه آغاز شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی را توجیه کند، اما نمی‌تواند نابرابری‌های اجتماعی میان افرادی که در طبقات اجتماعی مختلف متولد می‌شوند را توضیح دهد.
- در هر جامعه‌ای، برخی از افراد در طبقه بالا و برخی دیگر در طبقه پایین متولد می‌شوند. در این گونه موارد نقطه شروع رقابت یکسان نیست؛ مثلاً کودکانی که در طبقه بالا متولد می‌شوند، نسبت به کودکانی که در طبقه پایین متولد می‌شوند، از امکانات آموزشی بهتری برخوردارند. در چنین شرایطی یک نابرابری اجتماعی مقدمه نابرابری‌های اجتماعی بعدی می‌شود نه یک تفاوت یا نابرابری طبیعی.
- با این که طرفداران قشربندی اجتماعی رقابت را در زندگی اجتماعی، ضروری می‌دانند اما از این نکته مهم غفلت می‌کنند که در رقابت عادلانه باید نقطه شروع رقابت، یکسان باشد.

نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن قشربندی اجتماعی نادیده گرفته می‌شود.

تغییر در قشربندی اجتماعی چندان امکان‌پذیر نیست.

تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کند.

پیامدهای طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی

رویکرد دوم: جامعه‌شناسان مخالف با قشربندی اجتماعی (مدل کمونیستی)

- اندیشمندان اجتماعی که مخالف قشربندی اجتماعی هستند، معتقدند که نابرابری‌های اجتماعی ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبیعی نیست، بلکه نتیجه روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌هاست و باید با آن مبارزه کرد.
- این گروه، عدالت اقتصادی را مهم می‌دانند و معتقدند که با توزیع برابر ثروت، عدالت برقرار خواهد شد.





اندیشمندان کمونیست

۳ از نظر آنان، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه نابرابری اجتماعی شده است؛ بنابراین برای ایجاد برابری باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت.

۴ مخالفان قشربندی گمان می‌کنند، اگر مالکیت خصوصی از بین برود، دیگر طبقه پایین نخواهیم داشت و بدین ترتیب همگان شرایطی یکسان خواهند داشت.

۵ از نظر آنان قشربندی اجتماعی توسط انسان‌ها پدید آمده و تداوم یا تغییر آن نیز به دست آن‌هاست. علاوه بر این تأکید آنان بر معایب قشربندی نشان می‌دهد که آنان خواهان از میان برداشتن قشربندی هستند.

نقد این دیدگاه:

- با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود؛ زیرا این امر سبب می‌شود، تلاش و شایستگی بیشتر افراد کوشا و توانمند نادیده گرفته شود.
- در این رویکرد، نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود اما به دلیل این‌که انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.
- رویکرد سوم: جامعه‌شناسان طرفدار عدالت اجتماعی (رویکرد عادلانه)
- در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود اما جامعه وظیفه دارد که امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع رقابت را یکسان نماید.
- دولت به نمایندگی از جامعه موظف است، نیازهای ضروری همه افراد مانند خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین نماید. بدین ترتیب همه کودکان از امکانات اولیه برای پیشرفت بهره‌مند می‌شوند و می‌توانند براساس توانایی و شایستگی خود با دیگران رقابت نمایند.
- دولت تلاش می‌کند تا برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی تدابیر بیشتری ببیند؛ مثلاً از ثروتمندان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند.
- این رویکرد با رهاسازی مطلق و با کنترل مطلق مخالف است. اجرای عدالت را به دست نامرئی دولت نمی‌سپارد و دخالت همه‌جانبه دولت را هم نمی‌پذیرد.
- طرفداران عدالت اجتماعی به دنبال برقراری عدالت اجتماعی هستند، اما به بهانه عدالت اجتماعی آزادی‌های افراد و امکان رقابت میان آن‌ها را از بین نمی‌برند.

انتقاد رویکرد عادلانه به موافقان و مخالفان قشربندی اجتماعی:

طرفداران عدالت اجتماعی معتقدند هیچ کدام از دو رویکرد موافقان و مخالفان قشربندی، عادلانه نیستند. در رویکرد اول، نقطه آغاز رقابت و در رویکرد دوم نقطه پایان رقابت عادلانه نیست. هر دو رویکرد به دلیل ناعادلانه بودن، با فطرت انسانی سازگار نیستند و در نتیجه به شکست می‌انجامند.

رویکرد موافقان قشربندی اجتماعی، عادلانه نیست چون این واقعیت را نادیده می‌گیرد که افرادی که در طبقه اجتماعی پایین متولد می‌شوند حتی با داشتن شایستگی و تلاش برابر با افرادی که در طبقه اجتماعی بالا متولد می‌شوند، به سادگی امکان رقابت با این افراد را ندارند.

دلایل ناعادلانه بودن رویکرد موافقان و مخالفان قشربندی اجتماعی

رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی نیز عادلانه نیست زیرا در آن افراد توانمند و کوشا به اندازه استحقاقی که دارند، از مزایای اجتماعی برخوردار نمی‌شوند.

این سه رویکرد در مدل زیر نمایش داده شده است:



تفسیر مدل‌ها:

مدل لیبرالی، شکل هرمی و سلسله‌مراتبی دارد. به این معنا که در این مدل، نابرابری‌های اجتماعی پذیرفته می‌شود. افراد به‌رمنندتر از ثروت، قدرت و دانش در رأس هرم قرار دارند و نابرخورداران به طور طبیعی در کف هرم جای می‌گیرند. برخورداران، بیشترین مزایای اجتماعی را دارند اما تعدادشان کم‌تر است و نابرخورداران از کم‌ترین مزایای اجتماعی بهره‌مند می‌شوند اما تعدادشان در جامعه به نسبت برخورداران بیشتر است. این مدل مربوط به برخی از موافقان قشربندی اجتماعی است. (زیرا برخی از موافقان قشربندی اجتماعی، لیبرال نیستند؛ بلکه ممکن است نژادپرست و... باشند).

۲ مدل کمونیستی شکل چهارگوش دارد. به این معنا که در این مدل، نابرابری‌های اجتماعی پذیرفته نمی‌شود و بر عدالت اقتصادی تأکید می‌شود. به زبان دیگر مدل کمونیستی به دنبال جامعه بی‌طبقه است که همگان شرایط یکسانی داشته باشند.

۳ مدل عدالت اجتماعی، ویژگی‌های مثبت دو مدل قبلی را دارد؛ یعنی هم امکان رقابت را برای همگان فراهم می‌کند و هم برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی تلاش می‌شود. در واقع هم عدالت مهم است و هم آزادی افراد و گروه‌های اجتماعی. در نمودار عدالت اجتماعی، هم مثلث ترسیم شده است و هم مربع، به این معنا که افراد کوشا و توانمند استحقاق دریافت مزایای اجتماعی را دارند و افرادی که در طبقات پایین جامعه متولد می‌شوند، در شرایطی قرار می‌گیرند که بتوانند امکان رقابت با دیگران را داشته باشند.

جامعه‌شناسی انتقادی

بچه‌ها حتماً یادتونه که تو درسای قبلی چندین بار در مورد سه تا رویکرد اصلی جامعه‌شناسی صحبت کردیم و نقطه نظرات، موضوعات، روش‌ها و اهداف همشونو با هم مقایسه کردیم، البته در مورد جامعه‌شناسی پوزیتیویستی و تفهیمی خیلی بیشتر حرف زدیم و کمتر در مورد انتقادی‌ها بحث کردیم. خوبه که حالا دیگه بریم سراغ دیدگاه انتقادی‌ها؛ اتفاقاً نظراتشون در خصوص رفع تبعیض و ایجاد عدالت اجتماعی خیلی هم جالبه:

ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری جامعه‌شناسی انتقادی:

- در نیمه دوم قرن نوزدهم، مسئله قشربندی اجتماعی در جهان متجدد، چالش فقر و غنا را به وجود آورد و فقرا و ثروتمندان را به دو گروه متخاصم تبدیل کرد. این چالش اولین چالشی بود که در جهان متجدد ظاهر شد و این جهان را به مخاطره انداخت.
- طرفداران و مخالفان قشربندی اجتماعی نیز درگیر این منازعه شدند. آن‌ها براساس دانش علمی به دفاع از رویکرد خود می‌پرداختند و هر کدام، دیگری را به غیرعلمی بودن، متهم می‌کردند.
- در رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی، ظرفیت‌هایی برای انتقاد از قشربندی اجتماعی وجود داشت ولی به دلیل غلبه رویکرد پوزیتیویستی، امکان استفاده از آن وجود نداشت.
- با افول رویکرد پوزیتیویستی، در نیمه دوم قرن بیستم، این ظرفیت انتقادی مورد توجه قرار گرفت و به شکل‌گیری جامعه‌شناسی انتقادی انجامید.



تئودور آدرنو

ماکس هورکهایمر

هربرت مارکوزه

یورگن هابرماس

دوستان عزیز، اگه خاطرتون باشه تو درس ۶ کتاب دهم درباره پیامدهای جهان اجتماعی، مطالبی رو یاد گرفتیم در این‌جا هم برای فهم ادامه درس ناگزیریم مرور کوتاهی بر برخی از مطالب اون درس داشته باشیم:

زندگی اجتماعی انسان، دو وجه دارد:

۱ از سویی افراد در زندگی گروهی خود با یکدیگر، جهان اجتماعی و ساختارهای آن را می‌سازند.

۲ از سوی دیگر هر جهان اجتماعی الزام‌ها و پیامدهایی دارد که زندگی انسان‌ها را متأثر می‌سازد.

بنابراین:

(ب) با تغییر جهان اجتماعی موجود و به دنبال آن برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد.

(الف) تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پدید آید، پیامدهای آن نیز باقی است.

نکته همواره این امکان وجود دارد که یکی از این دو وجه زندگی اجتماعی بزرگنمایی شود و بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گیرد و وجه دیگر آن، نادیده انگاشته شود؛ یعنی پیامدهای جهان اجتماعی برای افراد برجسته شوند و مورد تأکید زیادتری قرار گیرند ولی این وجه که جهان اجتماعی ساخته انسان‌هاست نادیده گرفته شود و بالعکس یعنی گاهی نظام اجتماعی و ساختارهای آن و گاهی کنش‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. برجسته کردن یک وجه زندگی اجتماعی و تأکید بر آن و نادیده گرفتن وجه دیگر، می‌تواند آثار و پیامدهای نامطلوبی برای زندگی اجتماعی به وجود بیاورد.

توجه جامعه‌شناسان انتقادی به دو وجه زندگی اجتماعی	
جامعه‌شناسان انتقادی همانند جامعه‌شناسان تفهیمی - تفسیری بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند.	نقطه مشترک با جامعه‌شناسان تفهیمی - تفسیری
جامعه‌شناسان انتقادی، کم‌توجهی رویکرد تفهیمی به ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد را درست نمی‌دانند.	تفاوت با جامعه‌شناسان تفهیمی - تفسیری
<p>1 جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند که گاهی جهان اجتماعی و ساختارهای آن که به دست خود انسان‌ها ایجاد شده‌اند، انسان‌ها را زیر سلطه خود درمی‌آورند.</p> <p>2 از نظر آن‌ها بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آن‌ها، به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آن‌هاست؛ زیرا انتقاد از ساختارهای اجتماعی و در نتیجه کنترل آثار مخرب آن‌ها را ناممکن می‌سازد.</p> <p>3 این جامعه‌شناسان بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر تأکید می‌کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری شود و هم‌چنین زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر فراهم آید.</p>	دیدگاه انتقادی در مورد ساختارهای اجتماعی

جامعه‌شناسی انتقادی و داوری درباره ارزش‌های اجتماعی

- 1 فاصله میان «وضعیت موجود» و «وضعیت مطلوب» جهان اجتماعی، جامعه‌شناسی را به داوری درباره ارزش‌ها و انتقاد از آن‌ها می‌کشاند.
- 2 جامعه‌شناسان انتقادی برای داوری و انتقاد به معیارهای علمی نیاز دارند تا براساس آن معیارها، وضعیت موجود را ارزیابی کنند، تصویری از وضعیت مطلوب ترسیم نمایند و راه عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را پیشنهاد دهند.
- 3 جامعه‌شناسی انتقادی علم را به معنای حسی و تجربی آن محدود نمی‌داند و سعی دارد از محدودیت‌های علم تجربی رها شود تا بتواند چنین معیارهایی را جست‌وجو کند.

نکته جامعه‌شناسی پوزیتیویستی و تفهیمی - تفسیری از ارائه چنین معیارهایی ناتوان بودند.

سؤال‌های امتحانی

- درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید.
- جامعه‌شناسان می‌گویند علت نابرابری اجتماعی این است که مزایای اجتماعی یعنی ثروت، قدرت و دانش، به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده‌اند.
 - مخالفان قشربندی اجتماعی معتقدند که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد و نابرابری‌های اجتماعی از تفاوت‌های طبیعی برمی‌خیزد.
 - طرفداران قشربندی با طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی، نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن آن را نادیده می‌گیرند و تغییر در آن را چندان امکان‌پذیر نمی‌دانند.
 - از نظر مخالفان قشربندی اجتماعی، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است؛ بنابراین برای ایجاد برابری باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت.
 - در رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی، نقطه پایان رقابت‌ها یکسان می‌شود اما به دلیل این‌که انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.
 - در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو می‌شود اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع رقابت را یکسان نماید.
 - در رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی، ظرفیت‌هایی برای انتقاد از قشربندی اجتماعی وجود داشت ولی به دلیل غلبه رویکرد تفهیمی، امکان استفاده از آن وجود نداشت.
 - جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند که گاهی جهان اجتماعی و ساختارهای آن، که به دست خود انسان‌ها ساخته می‌شوند، انسان‌ها را زیر سلطه خود درمی‌آورند.

۹- جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند تا از سلطهٔ چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری شود و هم‌چنین زمینهٔ شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر فراهم آید.

۱۰- جامعه‌شناسان انتقادی برای داوری و انتقاد به معیارهای علمی نیاز دارند تا براساس آن معیارها، وضعیت موجود را ارزیابی کنند، تصویری از وضعیت مطلوب ترسیم نمایند و راه عبور از وضعیت مطلوب به سوی وضعیت موجود را پیشنهاد دهند.

جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب کامل کنید.

۱۱- برخی تفاوت‌ها، تفاوت‌های نامیده می‌شوند و نمی‌توان افراد را براساس این تفاوت‌ها، رتبه‌بندی کرد و برخی تفاوت‌ها مانند تفاوت در قد، هوش، ثروت و تحصیلات، تفاوت‌های نامیده می‌شوند.

۱۲- برخی نابرابری‌ها از جمله نابرابری افراد در قد و ضریب هوشی هستند، اما برخی نابرابری‌ها مانند نابرابری در تحصیلات و ثروت، هستند؛ یعنی در جامعه ایجاد می‌شوند.

۱۳- تفاوت‌های میان افراد را می‌توان به سه نوع، و تقسیم کرد.

۱۴- جامعه‌شناسان می‌گویند علت نابرابری‌های اجتماعی این است که یعنی ثروت، و دانش به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده‌اند.

۱۵- برخی جامعه‌شناسان معتقدند که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد. از نظر آنان نابرابری اجتماعی از تفاوت‌ها یا برمی‌خیزد.

۱۶- طرفداران قشربندی با قشربندی اجتماعی، نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن آن را نادیده می‌گیرند و با تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را و می‌کنند.

۱۷- مخالفان قشربندی اجتماعی معتقدند که نابرابری‌های اجتماعی نتیجهٔ میان انسان‌هاست و باید با آن مبارزه کرد. از نظر آنان، موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است.

۱۸- از نظر طرفداران، هر دو رویکرد موافقان و مخالفان قشربندی اجتماعی، به دلیل، با فطرت انسانی سازگار نیستند و در نتیجه به شکست می‌انجامند.

۱۹- در رویکرد، مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود اما جامعه وظیفه دارد امکان را برای همگان فراهم کند.

۲۰- اگرچه دیدگاه عدالت اجتماعی به دنبال برقراری عدالت اجتماعی است، اما به بهانهٔ عدالت اجتماعی و را از بین نمی‌برد.

۲۱- در رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی، ظرفیت‌هایی برای انتقاد از وجود داشت ولی به دلیل غلبهٔ رویکرد از علم امکان استفاده از آن وجود نداشت. با افول این رویکرد، در نیمهٔ دوم قرن بیستم، این ظرفیت انتقادی مورد توجه قرار گرفت و به شکل‌گیری انجامید.

۲۲- تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و به دنبال آن برداشته شدن، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد.

۲۳- جامعه‌شناسان انتقادی همانند جامعه‌شناسان تفهمی - تفسیری بر در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند اما کم‌توجهی رویکرد تفهمی به و تأثیر آن‌ها بر زندگی افراد را درست نمی‌دانند.

۲۴- فاصلهٔ میان و جهان اجتماعی، جامعه‌شناسی را به داوری دربارهٔ ارزش‌ها و انتقاد از آن‌ها می‌کشاند.

به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۲۵- کدام دسته از تفاوت‌های میان انسان‌ها را نمی‌توان رتبه‌بندی کرد؟

۲۶- تفاوت‌هایی مانند هوش و تحصیلات مربوط به کدام دسته از تفاوت‌های میان افراد هستند؟

۲۷- نابرابری‌ها به چند دسته کلی تقسیم می‌شوند؟ نام ببرید.

۲۸- تفاوت‌های میان انسان‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ نام ببرید.

۲۹- کدام نوع از تفاوت‌های رتبه‌ای در جامعه ایجاد می‌شوند؟

۳۰- در چه صورتی تفاوت‌های اسمی و نابرابری‌های طبیعی مورد توجه جامعه‌شناسان قرار می‌گیرند؟

۳۱- جامعه‌شناسان در مطالعهٔ نابرابری‌های اجتماعی در جوامع، به چه چیزی توجه دارند؟

۳۲- در تحلیل قشربندی و نابرابری اجتماعی، جامعه‌شناسان به چند گروه تقسیم می‌شوند؟ نام ببرید.

۳۳- کدام دسته از جامعه‌شناسان معتقدند نابرابری‌های اجتماعی ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبیعی هستند؟

۳۴- مخالفان قشربندی اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی را نتیجهٔ چه چیزی می‌دانند؟

۳۵- کدام دسته از جامعه‌شناسان، خواهان حذف مالکیت خصوصی هستند؟

۳۶- چرا موافقان قشربندی اجتماعی معتقدند که نابرابری‌های اجتماعی عادلانه هستند؟

۳۷- در اندیشهٔ مخالفان قشربندی اجتماعی، عدالت چگونه برقرار خواهد شد؟

- ۳۸- مخالفان قشربندی اجتماعی معتقدند برای ایجاد برابری چه باید کرد؟
 ۳۹- کدام رویکرد است که اجرای عدالت را به دست نامرئی بازار نمی‌سپارد و دخالت همه‌جانبه دولت را نیز نمی‌پذیرد؟
 ۴۰- در نیمه دوم قرن نوزدهم، مسئله قشربندی اجتماعی در جهان متجدد، کدام چالش را به وجود آورد؟
 ۴۱- به دلیل غلبه کدام رویکرد جامعه‌شناسی، امکان استفاده از ظرفیت‌های انتقادی مخالفان قشربندی اجتماعی وجود نداشت؟
 ۴۲- از نظر جامعه‌شناسان انتقادی، بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده‌گرفتن آن‌ها به چه معناست؟
 ۴۳- جامعه‌شناسان انتقادی در خصوص توجه به ساختارهای اجتماعی بر ضرورت چه چیزی تأکید می‌کنند؟
 ۴۴- چه عاملی جامعه‌شناسی را به سوی داوری درباره ارزش‌ها و انتقاد از آن‌ها کشاند؟

به سؤال‌های زیر پاسخ کامل دهید.

- ۴۵- از نظر جامعه‌شناسان، علت نابرابری‌های اجتماعی چیست؟
 ۴۶- سه ویژگی دیدگاه موافقان قشربندی اجتماعی را بیان کنید.
 ۴۷- طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی توسط طرفداران قشربندی چه پیامدهایی دارد؟
 ۴۸- چه انتقادی به دیدگاه موافقان قشربندی اجتماعی وارد است؟
 ۴۹- سه ویژگی مخالفان قشربندی اجتماعی را ذکر کنید.
 ۵۰- حذف مالکیت خصوصی چه پیامدهایی دارد؟
 ۵۱- طرفداران عدالت اجتماعی چه انتقاداتی بر موافقان و مخالفان قشربندی اجتماعی وارد ساخته‌اند؟
 ۵۲- سه ویژگی دیدگاه طرفداران عدالت اجتماعی را بیان کنید.
 ۵۳- در دیدگاه عدالت اجتماعی، دولت چه وظایفی را در راستای تحقق عدالت بر عهده دارد؟
 ۵۴- نمودار زیر را تفسیر کنید.



- ۵۵- درباره نسبت میان قشربندی اجتماعی و ایجاد چالش فقر و غنا در نیمه دوم قرن نوزدهم توضیح دهید.
 ۵۶- درباره دو وجه زندگی اجتماعی انسان توضیح دهید.
 ۵۷- جامعه‌شناسان انتقادی در مورد وجوه دوگانه زندگی اجتماعی انسان چه دیدگاهی دارند؟ توضیح دهید.
 ۵۸- چرا جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر تأکید می‌کنند؟
 ۵۹- در باب تأکید بر وجوه دوگانه زندگی اجتماعی چه شباهت و تفاوتی میان جامعه‌شناسان انتقادی و تفهمی - تفسیری وجود دارد؟
 به پرسش‌های چهارگزینه‌ای زیر پاسخ دهید.

۶۰- به ترتیب، هر یک از ویژگی‌های زیر مربوط به کدام نوع تفاوت‌ها هستند؟

«تفاوت در رنگ پوست افراد - نابرابری در تحصیلات - نابرابری در هوش - نابرابری در ثروت»

- (۱) طبیعی - اسمی - اجتماعی
 (۲) طبیعی - اسمی - اجتماعی
 (۳) اسمی - اجتماعی - طبیعی
 (۴) اسمی - اجتماعی - اسمی - رتبه‌ای

۶۱- به ترتیب، هر یک از عبارتهای زیر مربوط به کدام مدل یا رویکرد است؟

- با تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کنند.

- معتقدند برای ایجاد برابری باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت.

- به بهانه عدالت اجتماعی، آزادی‌های افراد و امکان رقابت میان آن‌ها را از بین نمی‌برند.

- (۱) مدل لیبرالی - مدل کمونیستی - مدل عدالت اجتماعی
 (۲) مدل کمونیستی - مخالفان قشربندی اجتماعی - موافقان قشربندی اجتماعی
 (۳) مدل کمونیستی - رویکرد عادلانه - مخالفان قشربندی اجتماعی (۴) مدل لیبرالی - موافقان قشربندی اجتماعی - رویکرد عادلانه

۶۲- به ترتیب در کدام رویکردها، نقطه آغاز رقابت و نقطه پایان رقابت عادلانه نیست؟

- (۱) موافقان قشربندی اجتماعی - مدل لیبرالی
 (۲) مخالفان قشربندی اجتماعی - مدل کمونیستی
 (۳) مخالفان قشربندی اجتماعی - موافقان قشربندی اجتماعی
 (۴) موافقان قشربندی اجتماعی - مخالفان قشربندی اجتماعی



۶۳- با توجه به رویکردهای مختلف نسبت به قشربندی اجتماعی، به ترتیب هر یک از نمودارهای مقابل از راست به چپ مربوط به کدام مدل یا رویکرد است؟



(۱) موافقان قشربندی اجتماعی - مخالفان قشربندی اجتماعی - رویکرد عادلانه

(۲) مخالفان قشربندی اجتماعی - رویکرد عادلانه - مدل کمونیستی

(۳) مدل کمونیستی - مدل لیبرالی - مدل عدالت اجتماعی

(۴) مدل لیبرالی - رویکرد عادلانه - مدل کمونیستی

۶۴- با نگاه منتقدانه، کدام گزینه مربوط به پیامدهای لغو مالکیت خصوصی نیست؟

(۱) انگیزه رقابت از بین می‌رود. (۲) تمامی طبقات اجتماعی شرایط یکسانی خواهند داشت.

(۳) تلاش و شایستگی بیشتر افراد کوشا و توانمند نادیده گرفته می‌شود. (۴) راه پیشرفت مادی مسدود می‌شود.

۶۵- در نیمه دوم قرن نوزدهم، مسئله قشربندی اجتماعی، کدام چالش را به وجود آورد؟ به چه دلیلی، در این دوره زمانی امکان استفاده از

ظرفیت‌های انتقادی مخالفان قشربندی اجتماعی وجود نداشت؟

(۱) فقر و غنا - افول رویکرد پوزیتیویستی

(۲) فقر و غنا - غلبه رویکرد پوزیتیویستی

(۳) شمال و جنوب - افول رویکرد پوزیتیویستی

(۴) شمال و جنوب - غلبه رویکرد پوزیتیویستی

۶۶- جامعه‌شناسان انتقادی کم‌توجهی جامعه‌شناسان تفهیمی - تفسیری را نسبت به چه موضوعی درست نمی‌دانند؟

(۱) توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی

(۲) تفاوت میان علوم طبیعی و علوم انسانی

(۳) ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد

(۴) پیامدهای الزامی جهان اجتماعی و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی انسان

۶۷- عبارتهای زیر را به ترتیب از حیث درست یا نادرست بودن مشخص نمایید.

- جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت توصیف و تفسیر ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری

شود و هم‌چنین زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر فراهم آید.

- هر جهان اجتماعی الزام‌ها و پیامدهایی دارد که زندگی انسان‌ها را متأثر می‌سازد تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی

افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است.

- فاصله میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب جهان اجتماعی، جامعه‌شناسی را به سوی داوری درباره ارزش‌ها و انتقاد از آن‌ها می‌کشاند.

- مخالفان قشربندی اجتماعی، عدالت سیاسی را مهم می‌دانند و معتقدند که با توزیع برابر قدرت، عدالت برقرار خواهد شد.

(۱) درست - نادرست - نادرست - درست

(۲) نادرست - درست - درست - نادرست

(۳) درست - نادرست - درست - درست

(۴) نادرست - درست - درست - نادرست

پاسخ سؤال‌های امتحانی

- ۱- درست
- ۲- نادرست: موافقان (نه مخالفان) قشریندی اجتماعی معتقدند که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد و نابرابری‌های اجتماعی از تفاوت‌های طبیعی برمی‌خیزد.
- ۳- درست
- ۴- درست
- ۵- نادرست: در رویکرد مخالفان قشریندی اجتماعی، نقطه آغاز (نه پایان) رقابت‌ها یکسان می‌شود اما به دلیل این‌که انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.
- ۶- نادرست: در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع رقابت را یکسان نماید.
- ۷- نادرست: در رویکرد مخالفان قشریندی اجتماعی، ظرفیت‌هایی برای انتقاد از قشریندی اجتماعی وجود داشت ولی به دلیل غلبه رویکرد پوزیتیویستی (نه تفهمی)، امکان استفاده از آن وجود نداشت.
- ۸- درست
- ۹- نادرست: جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری شود و هم‌چنین زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی (نه کنش‌های اجتماعی) انسانی‌تر و اخلاقی‌تر فراهم آید.
- ۱۰- نادرست: جامعه‌شناسان انتقادی برای داوری و انتقاد به معیارهای علمی نیاز دارند تا براساس آن معیارها، وضعیت موجود را ارزیابی کنند، تصویری از وضعیت مطلوب ترسیم نمایند و راه عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را پیشنهاد دهند. (نه برعکس)
- ۱۱- اسمی - رتبه ای
- ۱۲- طبیعی - اجتماعی
- ۱۳- تفاوت اسمی - نابرابری طبیعی - نابرابری اجتماعی
- ۱۴- مزایای اجتماعی - قدرت
- ۱۵- نابرابری‌های طبیعی
- ۱۶- طبیعی دانستن - تأیید - تثبیت
- ۱۷- روابط سلطه‌جویانه - مالکیت خصوصی
- ۱۸- عدالت اجتماعی - ناعادلانه بودن
- ۱۹- عادلانه - رقابت
- ۲۰- آزادی‌های افراد - امکان رقابت میان آن‌ها
- ۲۱- قشریندی اجتماعی - پوزیتیویستی - جامعه‌شناسی انتقادی
- ۲۲- مشارکت اجتماعی - الزام‌های آن
- ۲۳- توانایی و خلاقیت افراد - ساختارهای اجتماعی
- ۲۴- وضعیت موجود - وضعیت مطلوب
- ۲۵- تفاوت‌های اسمی
- ۲۶- تفاوت‌های رتبه‌ای
- ۲۷- نابرابری‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: نابرابری طبیعی و نابرابری اجتماعی
- ۲۸- تفاوت‌های میان انسان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: تفاوت اسمی، نابرابری طبیعی و نابرابری اجتماعی
- ۲۹- نابرابری اجتماعی
- ۳۰- در صورتی که به نابرابری‌های اجتماعی منجر شوند.
- ۳۱- قشریندی اجتماعی
- ۳۲- به سه گروه: موافقان قشریندی اجتماعی - مخالفان قشریندی اجتماعی - طرفداران عدالت اجتماعی
- ۳۳- موافقان قشریندی اجتماعی
- ۳۴- روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌ها
- ۳۵- مخالفان قشریندی اجتماعی
- ۳۶- می‌گویند چون نابرابری‌های اجتماعی نتیجه تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی هستند، بنابراین عادلانه‌اند.
- ۳۷- با توزیع برابر ثروت
- ۳۸- مالکیت خصوصی را لغو کرد.
- ۳۹- رویکرد عادلانه (طرفداران عدالت اجتماعی)
- ۴۰- چالش فقر و غنا
- ۴۱- رویکرد پوزیتیویستی
- ۴۲- به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آن‌هاست.
- ۴۳- انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر
- ۴۴- فاصله میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب در جهان اجتماعی
- ۴۵- از نظر جامعه‌شناسان علت نابرابری‌های اجتماعی این است که مزایای اجتماعی یعنی ثروت، قدرت و دانش به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده‌اند، از این‌رو برخی افراد در بالای سلسله‌مراتب اجتماعی قرار می‌گیرند و برخی افراد در پایین آن.
- ۴۶- ویژگی‌های موافقان قشریندی اجتماعی:
- (۱) معتقدند که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد.
- (۲) آن‌ها فکر می‌کنند که نابرابری‌های اجتماعی نتیجه تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی هستند، بنابراین عادلانه‌اند.
- (۳) معتقدند که از گذشته تا حال، هیچ جامعه‌ای بدون قشریندی اجتماعی نبوده است.
- ۴۷- طرفداران قشریندی با طبیعی دانستن قشریندی اجتماعی، نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن آن را نادیده می‌گیرند و تغییر در آن را چندان امکان‌پذیر نمی‌دانند. به علاوه با تأکید بر کارکردهای قشریندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کنند.

۴۸- ۱) آن‌ها این واقعیت را نادیده می‌گیرند که نابرابری‌های اجتماعی همیشه نتیجه نابرابری‌های طبیعی نیستند.

۲) با این‌که طرفداران قشربندی اجتماعی رقابت را در زندگی اجتماعی، ضروری می‌دانند اما از این نکته مهم غفلت می‌کنند که در رقابت عادلانه باید نقطه شروع رقابت یکسان باشد.

۳) طرفداران قشربندی با طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی، نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن آن را نادیده می‌گیرند و تغییر در آن را چندان امکان‌پذیر نمی‌دانند. به علاوه با تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کنند.

۴۹- ۱) مخالفان قشربندی معتقدند که نابرابری‌های اجتماعی ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبیعی نیست، بلکه نتیجه روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌هاست و باید با آن مبارزه کرد.

۲) آن‌ها عدالت اقتصادی را مهم می‌دانند و معتقدند که با توزیع برابر ثروت، عدالت برقرار خواهد شد.

۳) از نظر آنان، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است؛ بنابراین برای ایجاد برابری باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت، مخالفان قشربندی گمان می‌کنند، اگر مالکیت خصوصی از بین برود، دیگر طبقه پایین نخواهیم داشت و بدین ترتیب همگان شرایطی یکسان خواهند داشت.

۵۰- با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود؛ زیرا این امر سبب می‌شود، تلاش و شایستگی بیشتر افراد کوشا و توانمند نادیده گرفته شود و به دلیل این‌که انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.

۵۱- طرفداران عدالت اجتماعی معتقدند هیچ‌کدام از این دو رویکرد، عادلانه نیستند. رویکرد موافقان قشربندی عادلانه نیست چون این واقعیت را نادیده می‌گیرند که افرادی که در طبقه اجتماعی پایین متولد می‌شوند حتی با داشتن شایستگی و تلاش برابر با افرادی که در طبقه اجتماعی بالا متولد می‌شوند، به سادگی امکان رقابت با آن‌ها را ندارند. رویکرد مخالفان قشربندی نیز عادلانه نیست؛ زیرا در آن افراد توانمند و کوشا، به اندازه استحقاقی که دارند، از مزایای اجتماعی برخوردار نمی‌شوند. در رویکرد اول، نقطه آغاز رقابت و در رویکرد دوم نقطه پایان رقابت عادلانه نیست. هر دو رویکرد به دلیل ناعادلانه بودن، با فطرت انسانی سازگار نیستند و در نتیجه به شکست می‌انجامند.

۵۲- ویژگی‌های طرفداران عدالت اجتماعی:

۱) در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع رقابت را یکسان نماید.

۲) این رویکرد نه با رهاسازی مطلق موافق است و نه با کنترل مطلق. نه اجرای عدالت را به دست نامرئی بازار می‌سپارد و نه دخالت همه‌جانبه دولت را می‌پذیرد.

۳) طرفداران این رویکرد به دنبال برقراری عدالت اجتماعی هستند اما به بهانه عدالت اجتماعی، آزادی‌های افراد و امکان رقابت میان آن‌ها را از بین نمی‌برند.

۵۳- دولت به نمایندگی از جامعه مؤظف است، نیازهای ضروری همه افراد مانند خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین کند. بدین ترتیب همه کودکان از امکانات اولیه برای پیشرفت، بهره‌مند می‌شوند و می‌توانند براساس توانایی و شایستگی خود با دیگران رقابت نمایند. دولت نیز تلاش می‌کند برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی تدابیر بیشتری بیندیشد؛ مثلاً از ترولمن‌دان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند.

۵۴- مدل عدالت اجتماعی ویژگی‌های مثبت دو مدل لیبرالی و کمونیستی را دارد؛ یعنی هم امکان رقابت را برای همگان فراهم می‌کند و هم برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی تلاش می‌شود. در واقع هم عدالت مهم است و هم آزادی افراد و گروه‌های اجتماعی. در نمودار عدالت اجتماعی، هم مثلث ترسیم شده است و هم مربع، به این معنا که افرادی که توانا و کوشا هستند، امکان رقابت با دیگران و دسترسی به مزایای اجتماعی را دارند و از سوی دیگر دولت باید تدابیری بیندیشد تا نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد.

۵۵- در نیمه دوم قرن نوزدهم، مسئله قشربندی اجتماعی در جهان متجدد، چالش فقر و غنا را به وجود آورد و فقرا و ترولمن‌دان را به دو گروه متخاصم تبدیل کرد. این چالش اولین چالشی بود که در جهان متجدد ظاهر شد و این جهان را به مخاطره انداخت. طرفداران و مخالفان قشربندی اجتماعی نیز درگیر این منازعه شدند. آن‌ها براساس دانش علمی به دفاع از رویکرد خود می‌پرداختند و هر کدام، دیگری را به غیرعلمی بودن، متهم می‌کردند.

۵۶- زندگی اجتماعی انسان، دو وجه دارد:

۱) از سویی افراد در زندگی گروهی خود با یکدیگر، جهان اجتماعی و ساختارهای آن را می‌سازند.

۲) از سوی دیگر هر جهان اجتماعی الزام‌ها و پیامدهایی دارد که زندگی انسان‌ها را متأثر می‌سازد. تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و به دنبال آن، برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد.

۵۷- جامعه‌شناسان انتقادی همانند جامعه‌شناسان تفهیمی تفسیری بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند اما کم‌توجهی رویکرد تفهیمی به ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد را درست نمی‌دانند. جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند، گاهی جهان اجتماعی و ساختارهای آن‌که به دست خود



انسان‌ها ایجاد شده‌اند، انسان‌ها را زیر سلطه خود درمی‌آورند. بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آن‌ها، به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آن‌هاست؛ زیرا انتقاد از ساختارهای اجتماعی و در نتیجه کنترل آثار مخرب آن‌ها را ناممکن می‌سازد.

۵۸- جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری شود و همچنین زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر فراهم آید.

۵۹- هر دو رویکرد بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند با این تفاوت که رویکرد تفهیمی به ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد بی‌توجهی می‌کند، اما جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آن‌ها، به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آن‌هاست.

۶۰- گزینه «۳»

- تفاوت در رنگ پوست افراد ← تفاوت اسمی
- نابرابری در تحصیلات ← نابرابری اجتماعی
- نابرابری در هوش ← نابرابری طبیعی
- نابرابری در ثروت ← نابرابری اجتماعی

۶۱- گزینه «۱»

- موافقان قشربندی اجتماعی (مدل لیبرالی) با تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کنند.

- مخالفان قشربندی اجتماعی (مدل کمونیستی) معتقدند برای ایجاد برابری باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت.

- طرفداران عدالت اجتماعی (مدل عدالت اجتماعی) به بهانه عدالت اجتماعی، آزادی‌های افراد و امکان رقابت میان آن‌ها را از بین نمی‌برند.


۶۲- گزینه «۴» در رویکرد موافقان قشربندی اجتماعی، نقطه آغاز رقابت و در رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی نقطه پایان رقابت عادلانه نیست.

۶۳- گزینه «۱» حوزه رقابت (شکل هرمی) ← موافقان

قشربندی اجتماعی (مدل لیبرالی)

حوزه برابری (شکل مستطیل) ← مخالفان قشربندی اجتماعی (مدل کمونیستی)

حوزه رقابت و حوزه برابری ← طرفداران عدالت اجتماعی

۶۴- گزینه «۲» پیامدهای لغو مالکیت خصوصی: با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود؛ زیرا این امر سبب می‌شود، تلاش و شایستگی بیشتر افراد کوشا و توانمند نادیده گرفته شود. به دلیل این‌که انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد. این‌که انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.  نکته: گزینه (۲) مربوط به دیدگاه خود مخالفان قشربندی اجتماعی است که تصور می‌کنند با لغو مالکیت خصوصی همه در یک طبقه قرار می‌گیرند و شرایط یکسانی خواهند داشت. در صورتی که در واقعیت چنین امری محال است.

۶۵- گزینه «۲» در نیمه دوم قرن نوزدهم، مسئله قشربندی اجتماعی در جهان متجدد، چالش فقر و غنا را به وجود آورد. در رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی، ظرفیت‌هایی برای انتقاد از قشربندی اجتماعی وجود داشت ولی به دلیل غلبه رویکرد پوزیتیویستی، امکان استفاده از آن وجود نداشت.

۶۶- گزینه «۳» جامعه‌شناسان انتقادی همانند جامعه‌شناسان تفهیمی - تفسیری بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند اما کم‌توجهی رویکرد تفهیمی به ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد را درست نمی‌دانند.

۶۷- گزینه «۴» عبارت اول نادرست است. جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری شود و همچنین زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر فراهم آید.

عبارت چهارم نادرست است. مخالفان قشربندی اجتماعی، عدالت اقتصادی را مهم می‌دانند و معتقدند که با توزیع برابر ثروت (نه قدرت)، عدالت برقرار خواهد شد.